Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh
14th Year, No. 53, 2026

A Comparative Analysis of Imam Khomeini's and Ayatollah Khamenei's Approaches to Contemporary Terrorist Groups

Behnam Rashidizadeh[1], **Ali Asghar Nasiri**[2]

[1] *Assistant Professor, Department of Political Science, Imam Sadiq Research Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran* ***(Corresponding author).*** *behnam.rashidizade@gmail.com*

[2] *Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. a.nasiri@shahroodut.ac.ir*

Abstract

One of the fundamental and complex challenges facing contemporary Islamic societies is the emergence and expansion of terrorist movements aimed at destabilizing societies and undermining national and religious cohesion. Since the victory of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran has continually confronted this phenomenon and employed various strategies to counter it. Adopting a comparative approach and an analytical-inferential method, this study examines the approaches of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei to confronting terrorist groups active during their respective periods of leadership. The central research question asks: What fundamental similarities characterize their approaches to confronting terrorist movements? The study hypothesizes that their shared intellectual foundations, political worldview, and commitment to opposing global hegemony have produced substantial convergence in their strategies for countering terrorism. Drawing on theoretical frameworks in international security and regional studies, the findings indicate that, although the origins and operational characteristics of terrorist groups have varied across decades—from predominantly domestic terrorism during the first decade following the Revolution to externally rooted and proxy terrorism in more recent periods—the overarching pattern of response has remained consistent. This pattern strategically combines public diplomacy and explanatory communication through soft-power means to raise public awareness nationally and internationally with firm, decisive, and jihad-oriented coercive measures to suppress threats on the ground. Rooted in Islamic political thought, this multilayered, hybrid strategy seeks to expose what these leaders regard as the ideological deviations of terrorist movements while prioritizing the resolute protection of societal security.

Keywords: Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, terrorist movements, terrorism.

Received: 2025-09-04 ; **Received in revised form:** 2025-11-27 ; **Accepted:** 2025-12-20 ; **Published online:** 2026-03-30
https://doi.org/10.22034/sm.2025.98579.1304
© the authors
http://sm.psas.ir **Article type:** Research Article
Publisher: Political Studies Association of the Seminary

فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه
سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۰۵

مقایسهٔ شیوه مقابلهٔ امام‌خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با گروه‌های تروریستی معاصر

بهنام رشیدی‌زاده[۱]، **علی‌اصغر نصیری**[۲]

[۱] استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، قم، ایران (**نویسنده مسئول**).
behnam.rashidizade@gmail.com

[۲] استادیار، گروه معارف، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. a. nasiri@shahroodut.ac.ir

چکیده

یکی از چالش‌های بنیادین و پیچیدهٔ جوامع اسلامی در عصر معاصر، ظهور و گسترش جریان‌های تروریستی است که با هدف بی‌ثبات‌سازی و تضعیف انسجام ملی و دینی شکل گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، به‌صورت مستمر با این پدیده مواجه بوده و راهبردهای متعددی را برای خنثی‌سازی آن به‌کار گرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی و در قالب روش تحلیلی–استنباطی، درصدد واکاوی و تبیین دقیق شیوه‌های مقابله‌ای امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با گروه‌های تروریستی معاصر خود است. پرسش محوری تحقیق این است که «چه شباهت‌های بنیادینی در شیوهٔ مواجههٔ امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با جریان‌های تروریستی وجود دارد؟». در پاسخ به این پرسش، فرضیهٔ پژوهش بر این محور استوار است که با توجه به وحدت در مبانی فکری، جهان‌بینی سیاسی و پایبندی به اصول استکبارستیزی در اندیشهٔ این دو رهبر، همگرایی و شباهت قابل‌توجهی در راهبردهای مقابله‌ای آنان در قبال پدیدهٔ تروریسم مشاهده می‌شود. یافته‌های این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری در حوزهٔ امنیت بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که اگرچه خاستگاه و جزئیات عملیاتی گروه‌های تروریستی در دهه‌های مختلف تفاوت داشته است (تروریسم عمدتاً داخلی در دههٔ اول انقلاب در برابر تروریسم دارای خاستگاه بیرونی و نیابتی در دوران اخیر)، اما الگوی کلان مواجهه ثابت مانده است. این الگو شامل تلفیق هوشمندانه و توأمان «دیپلماسی عمومی و تبیین نرم» برای تنویر افکار عمومی در سطح ملی و فراملی، در کنار «برخورد سخت، قاطع و جهادی» برای سرکوب میدانی تهدیدات است. راهبرد منبعث از اندیشهٔ سیاسی اسلام، مبتنی بر کنش چندلایه و ترکیبی است که ضمن افشای ماهیت انحرافی این جریانات، قاطعیت در صیانت از امنیت جامعه را در اولویت قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، جریان‌های تروریستی، تروریسم.

استناد به این مقاله: رشیدی‌زاده، بهنام؛ نصیری، علی اصغر (۱۴۰۵). مقایسهٔ شیوه مقابلهٔ امام‌خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با گروه‌های تروریستی معاصر. *سیاست متعالیه*، ۱۴(۱): ص۲۷۳-۲۸۸. https://doi.org/10.22034/sm.2025.98579.1304

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه **نوع مقاله:** پژوهشی http://sm.psas.ir

© the authors

مقدمه

بدون‌شک یکی از معضلات جهان کنونی پدیده تروریسم است که از گذشته‌های دور تاکنون به‌عنوان تهدیدی جدّی برای کشورها مطرح بوده، به نحوی که از عوامل اصلی و همیشه اثرگذار در تهدیدات کشورها در ابعاد مختلف داخلی و خارجی پدیده تروریسم است. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که پدیده تروریسم، با امنیت ملی آن پیوند خورده و از تروریسم آسیب فراوانی دیده و از اصلی‌ترین قربانیان تروریسم در تاریخ استقلال خود به‌شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و در فاصلهٔ سال‌های پایانی دهة ۵۰، در فضای گفتمانی جامعهٔ ایران، جریان‌های رادیکال و افراطی که نتوانسته بودند نقش عمده‌ای در نظام داشته باشند، به انحاء مختلف در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستادند و با مشیء مسلّحانه، به مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی پرداختند. بنابراین وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، یکی از نقاط عطف مهم تاریخی ایران است؛ چراکه انقلاب اسلامی که قطع وابستگی‌های استعماری را به دنبال داشت و معادلات نظام سلطه را تحت‌الشعاع قرار داده بود، از صبح اولین روز پیروزی با توطئه‌های پنهان و آشکاری روبرو شد و دشمنان که همواره از ایران اسلامی به عنوان یک تهدید یاد می‌کردند، تلاش گسترده‌ای کردند تا با بهره‌گیری از تفاوت‌های فرهنگی و نژادی و با ایجاد اغتشاش و ناامنی در داخل کشور، با گفتمان انقلاب اسلامی مقابله کنند. در همین راستا، اولین حرکت‌های دشمن، در مناطقی از کشور آغاز شد که ضمن آنکه دارای شرایط ویژه‌ای به لحاظ ساختار سیاسی و اجتماعی بود، امید به موفقیت بیشتری را نیز برای آنان به دنبال داشت. بر این اساس، مناطق مختلفی از خاک کشور در دستور کار قرار گرفت و نیروهای مختلف دشمن در قالب گروه‌های تروریستی چون فدائیان خلق، سازمان مجاهدین خلق، گروهک فرقان و... همه ظرفیت‌های خود را در جهت ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی به‌کار گرفتند. در سال‌های اخیر نیز تهدید تروریسم که ناشی از ظهور تروریسم تکفیری است، اهمیت و شدت بیشتری پیدا کرده است، اندیشه تکفیری با تکیه بر مبانی غیراسلامی خود، عقاید و آموزه‌های کلامی اسلام اصیل که گفتمان انقلاب اسلامی نیز نشأت گرفته از آن است را به چالش می‌کشد. با توجه به جایگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان فقیه و رهبران دینی و دارای اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر اسلام که ترسیم‌کننده خط‌مشیء کلی و شاکله اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، بدون تردید بیان اندیشه‌ها و نیز لزوم پیگیری خط سیر تفکرات ایشان می‌تواند به عنوان چراغ راه مؤثری در این عرصه باشد؛ از این‌رو شناخت افق‌های گوناگون مرزهای مفهومی سپهر اندیشه‌ای امامین انقلاب در عرصه‌های مختلف چون شیوه‌های مواجهه با جریان‌های تروریستی، بسیار مهم و حائز اهمیت است. بنابراین، پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با رویکردی مقایسه‌ای،

شیوه‌های مواجهه امام‌خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با جریان‌های تروریستی معاصر خود را تبیین نماید.

۱. مفاهیم پژوهش

۱-۱. تروریسم

ترور در لغت، به معنای هراس و هراس‌افکنی است، در اصطلاح، به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون‌ریزی از سوی یك گروه، حزب و یا دولت، به منظور نیل به اهداف سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است (آشوری، ۱۳۷۳، ص۹۹-۹۸). آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، ترور را به معنای حالت و یا احساس ترس دسته‌جمعی می‌داند که خشونت و کشتار بی‌حساب موجد آن است (بیرو، ۱۳۷۵، ص۴۲۶). تروریسم که در فارسی از آن به عنوان دهشت‌افکنی و یا هراس‌افکنی نام برده شده است، به هرگونه عملکرد یا تهدید برای ترساندن شهروندان، حکومت و یا گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی گفته می‌شود. در فرهنگ علوم سیاسی تعاریف مختلفی از مفهوم تروریسم ارائه شده است: مرکز تحقیقات ضدّ تروریسم ایالات متحده آمریکا در تعریف تروریسم اینگونه آورده است که: تروریسم خشونتی است که مبتنی بر طرح توطئه‌ای از پیش طراحی شده بوده که دارای جنبه سیاسی است، و علیه افراد غیرنظامی و اهداف غیرنظامی توسط افراد مخفی و گروه‌های زیر سطح ملی به اجرا درمی‌آید (حاتمی، ۱۳۹۰، ص۲۸). پل ویلیکینسون در کتاب «تروریسم و دولت آزاد» در بیان ویژگی‌های تروریسم، به مؤلفه‌هایی از قبیل وجود جو ترس و ارعاب و تهدید، غیرقابل پیش‌بینی بودن، و استفاده از روش‌های وحشیانه مانند بمب‌گذاری با ماشین و بمب پستی اشاره کرده و می‌افزاید: هدف تروریست‌ها همة انسان‌ها هستند و هیچ کس از حوزة این ارعاب و تهدید و خطر بیرون نیست و اهداف کور و بدون شناسایی دقیق و فارغ از تفاوت انتخاب می‌شوند (پورسعید، ۱۳۸۵، ص۷۳).

۱-۲. گروه‌های تروریستی

برخی از صاحب‌نظران براساس نگاه متفاوت‌شان به پدیده تروریسم، بر این باورند که عنصر اساسی تروریسم، جریانی بودن و داشتن سازمان است. جیمز ام. لوتز و برنداجی در کتاب «تروریسم، ریشه‌ها و تکامل» با اشاره به ویژگی‌های تروریسم، ضمن تأکید بر جریانی بودن پدیده تروریسم، معتقد است: «تروریسم دارای اهداف و آرمان‌های سیاسی متکی به خشونت یا تهدید به خشونت است. قصد آن نیز ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف است و اهداف دیگری را ورای قربانیان فوری خشونت تعقیب می‌کند. این خشونت به شکل جریان‌های منسجم و سازمان‌یافته بوده و افراد به صورت انفرادی عمل نمی‌کنند» (لوتز و

لوتز، ۱۳۹۶، ص۷۰). بر همین اساس، تعاریف و شاخص‌های تروریسم، ماهیت گروهی را که بر همین مبنا تشکیل شده باشد، بیان می‌کند، بنابراین، هر گروهی که برای رسیدن به اهداف خود با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، امنیت جامعه را تضعیف نموده و در این راه از خشونت استفاده کند، یک گروه و جریان تروریستی می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

به‌رغم اینکه در رابطه با مفهوم تروریسم و جریان‌های تروریستی در جمهوری اسلامی ایران تحقیقات و پژوهش‌های مختلف و فریاوان انجام شده است، لیکن به طور مشخص تاکنون تحقیق مستقل و مجزایی که با رویکردی مقایسه‌ای، شیوه‌های مواجهه امام خمینی و امام خامنه‌ای با جریان‌های تروریستی را تبیین نماید، یافت نشد، که در نتیجه نیاز به تحقیق دارد.

فوزی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی»، با پرداختن به این موضوع که سازمان مجاهدین خلق ازجمله گروه‌هایی بود که هم با رژیم شاهنشاهی و هم با نظام جمهوری اسلامی به مبارزه پرداخت، در مورد چگونگی فعالیت این سازمان پس از انقلاب اسلامی تلاش کرده تا استراتژی سازمان را در این دوران در برخورد با مواضع امام خمینی و نظام جمهوری اسلامی ایران روشن نماید و نشان دهد که چه عواملی باعث شد تا این سازمان در مقابل جمهوری اسلامی موضع گرفته و اقدام به مبارزه مسلّحانه نماید. همسویی سیاست‌های سازمان و بنی‌صدر، و فعالیت‌های سازمان تا پایان جنگ ایران و عراق نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

علیپور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی اندیشه‌های امام خمینی و عملکردهای هاشمی رفسنجانی؛ در زمینه مبارزه مسلّحانه و حمایت از منافقین»، اختلاف رویکرد امام خمینی با هاشمی رفسنجانی را در خصوص حمایت از سازمان مجاهدین خلق پیش از انقلاب، بویژه در مسئله مبارزه مسلّحانه مورد بررسی قرار داده است.

راستگو (۱۳۸۴) نیز در کتابی با عنوان «مجاهدین خلق در آیینه تاریخ» به بررسی فعالیت‌های جریان‌های تروریستی در زمینه مبارزهٔ مسلّحانه در دو برهه زمانی (۱۳۵۷-۱۳۴۴) و (۱۳۶۶-۱۳۵۷) پرداخته است.

آبراهامیان (۱۳۸۶)، در کتابی با عنوان «اسلام رادیکال: مجاهدین ایرانی»، به نحوه تشکیل، اقدامات و فعالیت‌های سازمان مجاهدین از ابتدای تشکیل تا سال ۱۳۶۰ پرداخته است. آبراهامیان در این کتاب رابطه بنیانگذاران و اعضای اولیه سازمان با نهضت آزادی، بویژه آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان، چگونگی و

زمینه‌های تشکیل سازمان را مورد بررسی قرار داده است.

صفار هرندی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نیمه پنهان: رازهای دههٔ شصت»، به صورت جامع و کامل به حوادث تاریخی پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. این پژوهش درگیری سال‌های اولیه جریان‌های تروریستی تا روی کار آمدن دولت‌های مختلف، جنگ تحمیلی و مسائل مختلف مربوط به این مقطع تاریخی را دربرمی‌گیرد.

اگرچه به نظر می‌رسد پژوهش‌های بررسی شده از برخی زوایا با موضوع پژوهش حاضر قرابت دارند، اما وجه تمایز پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های مواجهه امام خمینی و امام خامنه‌ای با جریان‌های تروریستی بوده که تاکنون به صورت مستقل و مجزا بررسی نشده است.

۳. روش پژوهش

۳-۱. روش مقایسه‌ای

یکی از ابزارهای ضروری تحقیق در پدیده‌های سیاسی، روش مقایسه‌ای می‌باشد. این روش در اصطلاح به ارائه نوعی مدرک تجربی با هدف مقایسهٔ نظام‌مند پدیده‌های سیاسی تعریف شده است. روش مقایسه‌ای می‌تواند میان کشورها و نیز در مقایسات درون‌کشوری یا در طول زمان به‌کار برده شود (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص۲۸۱-۲۸۲). مطالعات موردی کشورها در چارچوب مقایسه‌ای، مطالعهٔ نظام‌مند تعداد معدودی از کشورها، و مقایسات جهانی بر پایهٔ تحلیل آماری، انواع گوناگون تحلیل مقایسه‌ای می‌باشند (همان، ص۲۸۶). نوع دوم یعنی مطالعهٔ نظام‌مند تعداد معدودی از کشورها، از تفصیل کمتر نسبت به مطالعهٔ موردی، اما در نتایج، از قابلیت تعمیم بیشتری برخوردار می‌باشد. رهیافت «بسیار مشابه» و نیز رهیافت «بسیار متفاوت» ازجملهٔ رهیافت‌های نوع دوم هستند. رهیافت «بسیار متفاوت» دربرگیرندهٔ مقایسهٔ کشورهایی می‌باشد که بین آنها در زمینهٔ عواملی که مورد علاقهٔ پژوهشگر است، تفاوت زیادی وجود دارد (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص۲۸۹-۲۹۰). در این پژوهش از نوع دوم روش مقایسه‌ای (مقایسهٔ شیوهٔ مواجهه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در مقابله با جریان‌های تروریستی) با محوریت رهیافت «بسیار متفاوت» استفاده شده است.

۳-۲. روش مطالعهٔ پژوهشی (روش کلاسیک/ تحلیل متن)

در این روش که روش تحلیل متن و روش کلاسیک نیز نامیده می‌شود، در ابتدای کار، سؤال‌هایی طرح می‌گردد، سپس محقق به جستجوی پاسخ آن پرسش‌ها در درون متن می‌پردازد. در روش مطالعهٔ پژوهشی،

نوعی ارتباط دوسویه و مکرر میان رجوع به متن و نتیجه‌گیری در مورد هر مطلب وجود دارد. با این بیان که با طرح سؤال، جستجو در متن شروع می‌شود و بعد از مطالعهٔ متن، این امکان وجود دارد که برخی قسمت‌های متن معنی دیگر قسمت‌ها را تغییر دهد. به عبارت دیگر، مطالعهٔ پژوهشی مطالعه‌ای است که اولین ویژگی آن سؤال‌محوری است؛ به این معنا که محقق در چارچوب آن سؤال‌ها، مطالعه را آغاز می‌کند. ویژگی بعدی مطالعهٔ پژوهشی، عمیق و دقیق بودن آن است. به این معنا که باید ابتدا متن به خوبی فهمیده شود و بعد مشخص گردد که به کدام‌یک از پرسش‌ها جواب می‌دهد. ویژگی دیگر مطالعهٔ پژوهشی، این است که محقق باید فقط اطلاعات قابل استفاده و مرتبط با موضوع را ثبت کند. طبقه‌بندی اطلاعات با خلاقیت براساس پرسش‌های پژوهش، یکی دیگر از ویژگی‌های مطالعهٔ پژوهشی است. ارزیابی اطلاعات طبقه‌بندی شده، ویژگی دیگر مطالعهٔ پژوهشی بوده و به این معنا است که مفردات، جملات و ترکیبات آن اطلاعات فهم می‌شود، قرائن و شواهد گردآوری می‌گردد و اطلاعات مشابه در کنار هم قرار داده می‌شوند. در نهایت نیز محقق شروع به تفسیر و استنباط از آن اطلاعات می‌کند و نظر خود را بیان می‌نماید (دوورژه، ۱۳۶۲، ص۱۰۴-۱۱۱).

٤. شیوه مقابلهٔ امام خمینی با گروه‌های تروریستی

در این بخش شیوه مواجهه و مواضع امام خمینی نسبت به جریان‌های تروریستی در قبل و بعد از انقلاب بررسی می‌شود. ازجمله مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق، گروه فرقان، مجاهدین مارکسیست (پیکار) و همچنین حزب دموکرات کردستان، سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران (کومله) اشاره کرد. به طور کلی شیوه مواجهه امام خمینی در قبال جریان‌های تروریستی را می‌توان در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد.

٤-١. شیوه نرم و تبیینی

٤-١-١. عدم تأیید و انزجار قلبی

با توجه به اینکه در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تمرکز اصلی نهضت اسلامی مبارزه علیه محمدرضا شاه و سرنگونی رژیم پهلوی بود، از این‌رو امام خمینی ضمن اینکه از هرگونه برخورد علنی و فراگیر علیه آنها خودداری می‌کردند، از هرگونه تأیید یا همکاری و ائتلاف با ایشان نیز اجتناب ورزیدند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص۱۴۴). این در حالی بود که برخی از علما بواسطه اینکه در آن ایام با برخی از این گروه‌ها و سازمان‌ها در ارتباط بودند و به دلیل اقدامات مبارزاتی آنها، از ایشان حمایت می‌کردند و این در حالی بود

که هنوز باطن و اهداف تروریستی این گروه‌ها و سازمان‌ها آشکار نشده بود. آیت‌الله مهدوی در مورد حمایت از سازمان مجاهدین می‌گوید: ما برای این آقایان (مجاهدین) خیلی کتک خوردیم. بنده دو ماه به خاطر همین آقایان شکنجه دیدم؛ ولی احدی را لو ندادم همچنین آیت‌الله طالقانی در نامه‌ای به امام خمینی از جوانان سازمان مجاهدین خلق به «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدمی» (کهف، ۱۳) تعبیر کرده و از ایشان درخواست می‌نمایند که آنها را تأیید کنند. ولی امام خمینی علی‌رغم این حمایت‌ها و سفارش‌ها که از سوی علمای دیگری نیز بود، از تأیید این گروه‌ها و سازمان‌ها و مواضع آنها خودداری کردند. البته ایشان با وجود رنج و نگرانی شدیدی که از کج‌اندیشی‌های این گروه‌ها داشت و با آنکه از سوی بسیاری از مبارزان اسلامی برای یاری و پشتیبانی از بنیانگذاران و اعضای سازمان سخت تحت فشار بود، از هرگونه سخنی بر ضدّ آنان به‌شدت خودداری می‌کرد (خواجه سروی، ۱۳۸۲، ص۲۷۷).

٤-١-٢. مواجهه نرم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در حالی‌که نظام نوپای اسلامی با مشکلات داخلی و خارجی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کرد، رویکرد اصلی امام خمینی درباره این گروه‌ها، جذب حداکثری و مدارای همراه با رأفت اسلامی بود. با وجود اینکه ایشان از سوابق گروه‌های مختلف آگاه بودند، لکن به همه آنها اجازه فعالیت در کشور را داده و همه گروه‌های سیاسی از آزادی برخوردار بودند و تا زمانی که انحراف آنها صرفاً به صورت کلام انعکاس پیدا می‌کرد، امام خمینی نیز آنها را نصیحت کرده و دانشجویان و طلاب را موظف به پاسخگویی به شبهات مطروحه می‌کردند. بنابراین، پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی به دلیل اینکه وحدت و دوری از اختلاف را ضامن بقای نظام اسلامی می‌دانستند، همچنان رویکرد نرم را در پیش گرفتند و شیوه مواجهه ایشان در این مرحله عبارت بود از دعوت به توبه و نصیحت، دعوت به رعایت قانون، آزادی گروه‌های غیرمعاند، پاسخگویی به شبهات و رسوا کردن ریشه‌های فکری این گروه‌ها.

٤-٢. شیوه سخت و جهادی

در حالی‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد امام درباره گروه‌ها و جریان‌های تروریستی، برخورد نرم و جذب حداکثری بود، اما هنگامی که این گروه‌ها با ایجاد رعب، وحشت و موج گسترده ترور، به مقابله علنی با نظام و انقلاب برخاستند، در این شرایط امام ضمن اینکه دیگر نصیحت و مصالحه با این گروه‌ها را چاره‌ساز ندیده، آنها را تهدید به برخورد سخت کرد. به مردم و مسئولان دستور داد تا به طور کامل با این گروه‌ها مقابله کنند. در این مرحله با توجه به اینکه جان و مال مردم در خطر بود، امام مقابله عملی و برخورد

سخت را تنها راه حفظ جامعه اسلامی از خطرات گروهای تروریستی می‌دانست (موسوی اردبیلی، ۱۳۶۴، ص۲۷). امام خمینی در پیام ۵ خرداد ۱۳۵۸ به مناسبت ترور نافرجام آقای هاشمی رفسنجانی، به پاسداران انقلاب اسلامی دستور مقابله امنیتی در برابر ترور و تروریست‌ها را دادند: «آمریکا و دیگر ابرقدرت‌ها با این تلاش‌های احمقانه، نمی‌توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند ... . ملت ما با تمام قوا باید در مقابل دسیسه‌ها مقاومت کنند. توطئه‌ها را بشکنند ... پاسداران انقلاب اسلامی و روسای آنها موظفند این شخصیت‌های ارزنده انقلابی را حفظ کنند و رفت و آمدهای مشکوك را تحت نظر بگیرند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص۴۹۵). از طرف دیگر، ایشان دستور صریحی به دادگاه‌ها دادند تا تروریست‌ها را مجازات کنند. البته ایشان در این مورد هم تاکید داشتند که بایستی مجازات‌ها طبق قانون اسلام صورت گیرد. نکته جالب این است که از نظر امام، مجازات تروریست‌ها، بسیار سخت و سنگین است. در این مورد، ایشان در سخنرانی ۴ اسفند ۱۳۵۹، چنین فرمودند: «باید شماها مواظب باشید و سپاه پاسداران هم که در شهرها هستند، با شما هماهنگ باشند، برای جلوگیری از اینکه یك دسته‌ای از اشرار بخواهند درگیری ایجاد کنند و ناراحتی برای مردم ... و بعضی از این اشرار که مشغول ترور هستند یا مشغول انفجار بعضی جاها هستند. باید اطلاعات حاصل شود و پیگیری شود، و اینها معرفی بشوند به دادگاه‌ها؛ آن‌ها را مجازات کند، به آن مجازاتی که اسلام برای آنها یقین کرده و آن مجازات سختی است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص۴۹۵). بنابراین، شیوه مواجهه امام خمینی در این مرحله عبارت بود از: عدم مصالحه، دستور به برخورد سخت نظام اسلامی و دستور به طرد این گروه و جریان‌ها از سوی مردم. از مهم‌ترین این گروه‌های تروریستی می‌توان به چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق، مجاهدین مارکسیست (پیکار)، فرقان و همچنین حزب دموکرات کردستان و کومله اشاره کرد.

۵. شیوه مقابلهٔ آیت‌الله خامنه‌ای با گروه‌های تروریستی

آیت‌الله خامنه‌ای در مواجهه با گروه‌های تروریستی معاصر خود، از یک‌سو با استفاده از شیوه نرم و تبیینی، زوایای مختلف این جریان‌ها را از لحاظ مبانی انحرافی و حامیان استعماری برای جامعه روشن نموده و از سوی دیگر در عرصهٔ میدانی نیز به عنوان فرماندهی کل قوا، از شیوهٔ سخت و جهادی در برخورد با جریان‌های مذکور استفاده کرده‌اند. از مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، حزب الفرقان (مجاهدین معاویه)، گروهک تروریستی ـ تکفیری جندالله (گروه ریگی)، جیش العدل، داعش و جبهه النصره اشاره کرد.

۵-۱. شیوه نرم و تبیینی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از راه‌های مقابله با دشمنان و ازجملهٔ گروه‌های تروریستی، استفاده از تبیین و روشنگری می‌باشد. طرح جهاد تبیین از سوی ایشان نیز در این راستا تعریف می‌شود. بر این اساس، روشنگری، ارشاد و هدایت یکی از راهکارهای مقابله با جریان‌های تروریستی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای محسوب می‌شود. در این راستا ایشان با بیان قرائنی همچون ناسازگاری با عقلانیت و نوگرایی، زمینه‌ساز ترویج سکولاریسم شدن، مطلوب آمریکا و رژیم صهیونیستی بودن، به تبیین جریان سلفی متحجّر و خشن در جهان اسلام می‌پردازند و در این زمینه روشنگری می‌نمایند.

«سلفی‌گری» اگر به معنای اصول‌گرائی در کتاب و سنّت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غرب‌زدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجّر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرائی و سماحت و عقلانیت- که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند- سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد. به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غرب‌گرا، و چه از نوع متحجّر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بی‌رحمانه مواجه می‌شود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز می‌کند، ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و اشدّاء با مؤمنین و رحماء با کفّار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشانند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

در بیانات دیگری نیز آیت‌الله خامنه‌ای به تبیین ریشه‌های اصلی جریان تکفیر می‌پردازند، و در این راستا، به نقش استعمارگران آمریکایی و هم‌پیمانان‌شان در این مسأله اشاره می‌نمایند. به عبارت دیگر، از منظر ایشان آمریکا و کشورهای همسو با آن، هم در ایجاد جریان تکفیر به ویژه داعش تاثیرگذار بوده و هم در استمرار آن نقش‌آفرین هستند و قصد دارند از این طریق با ایجاد دشمنی میان مسلمانان، آنان را از دشمن اصلی منحرف کنند.

> «این جریان «تکفیر»- این چیزی که امروز در عراق و سوریه و برخی کشورهای دیگر منطقه بروز کرده و در واقع با همه مسلمان‌ها مواجه‌اند، نه فقط با شیعه- ساخته دست خود استعمارگران است؛ اینها چیزی به نام القاعده، و چیزی به نام داعش برای مقابله با جمهوری اسلامی و برای مقابله با حرکت بیداری اسلامی درست کردند، منتها دامن خودشان را گرفته است؛ امروز دامن خود آنها را گرفته است. البته امروز وقتی انسان با یک نظر دقیق تحلیلی نگاه می‌کند، می‌بیند

تلاشی که امروز آمریکا و هم‌پیمانان آمریکا در آنچه «مواجهه با داعش» اسم گذاشته‌اند - که واقعیتی ندارد - در اینجا دارند به‌خرج می‌دهند، بیش از آنچه تلاش برای نابود کردن نطفه این حرکت خبیث باشد، تلاش برای جهت دادن دشمنی‌های مسلمانان میان یکدیگر است. سعی می‌کنند مسلمان‌ها را به جان هم بیندازند؛ عامل آن را امروز این گروه جاهل و متعصّب و متحجّر و وابسته قرار داده‌اند، والاّ هدف، همان هدف است؛ سعی آنها این است که مسلمانان را از دشمن اصلی منحرف کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۷/۲۱).

ایشان در جای دیگری نیز با معرفی اسلام ناب محمدی متّکی استنباط صحیح از کتاب و سنّت و نیز اسلام آمریکایی متّکی به تفسیر انحرافی و نادرست از کتاب و سنّت، به تبیین و معرفی جریان‌های تروریستی می‌پردازند. اسلام سکولار و اسلام متحجّر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای ازجملهٔ مصادیق اسلام آمریکایی هستند که مورد حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشند. در این میان، ایشان به جریان تروریستی و منحرف داعش و القاعده که مورد حمایت آمریکا هستند و نگاهی متحجّرانه به دین دارند، اشاره می‌کنند.

«اوّلین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه زمان‌ها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، و دیگری اسلام متحجّر است؛ لذا، امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسان‌ها را، جدای از اسلام می‌خواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجّرانه به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده غیرقابل فهم برای انسان‌های نواندیش و متعصّبانه بر روی مبانی غلط، تحجّر؛ هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است. امروز که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید هردو نمونه اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هردو هم مورد حمایت قدرت‌های قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیل هستند، هم بعضی از جریان‌ها به نام اسلام و بیگانه از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متّکی به کتاب و سنّت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و مِتُد علمی جاافتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه، استنباط می‌شود و به دست می‌آید» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

۵-۲. شیوه سخت و جهادی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، صِرف استفاده از روش تبیینی در روشنگری ماهیت جریان‌های تروریستی، کفایت نمی‌کند، بلکه ایشان در عرصهٔ میدانی نیز معتقد به مبارزهٔ سخت و جهادی با جریان‌های تروریستی همچون داعش می‌باشند. حضور مستشاری نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق برای مبارزه با داعش و دیگر جریان‌های تروریستی، در این راستا تحلیل می‌شود. لذا، ایشان از نقش برجسته و شجاعانه سردار سلیمانی در شکست جریان تروریستی داعش در سوریه و عراق به نیکی یاد می‌کنند.

«سردار شهید سلیمانی با حضور شجاعانه در صفوف مقدم و خطرناک، یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریستی مانند داعش و امثال آن در سوریه و عراق بود، اما آمریکایی‌ها بدون اینکه جرأت کنند، با او در نبرد روبه‌رو شوند، بزدلانه به او که به دعوت دولت عراق در فرودگاه عراق بود، حمله کردند و خون مطهر او و همراهانش را بر زمین ریختند، تا برای چندمین بار خون فرزندان ایران و عراق در راه خدا بر زمین ریخته و با یکدیگر مخلوط شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

ایشان در یکی از بیانات‌شان به چگونگی حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق اشاره می‌کنند. در این بیانات ضمن برشمردن حضور سیاسی ایران در سوریه و عراق، به صراحت بیان می‌دارند که نظامی‌های ایران به صورت مستشاری نیز در جبههٔ مبارزه علیه جریان‌های تروریستی، در کنار نظامیان عراق و سوریه، با هدف دفاع از دولت قانونی آن دو کشور حضور داشتند.

«از حضور ایران در منطقه با بغض و کینه یاد می‌کنند که چرا ایران در منطقه حضور دارد؛ یعنی چرا ایران در سوریه، در عراق، در بعضی جاها حضور دارد؛ در حالی‌که حضور ما، حضور نظامی نیست؛ و آنجایی که نظامی‌های ما هم بودند، حضور مستشاری بوده؛ یک جاهایی هم که اصلاً نظامی‌ها حضور ندارند، صرفاً حضور سیاسی است، این را با کینه و به عنوان یک مشکل بزرگ که موجب بی‌ثباتی و مانند اینها است، می‌گویند، در حالی‌که منطقه، منطقه ما است و هر جا هم وارد شدیم، برای دفاع از دولت قانونی آنجا وارد شدیم؛ چه در عراق، چه در سوریه، هدف ما دفاع از دولت قانونی بوده و با رضایت و خواست خود آن دولت‌ها وارد شدیم؛ این را این جوری بزرگ می‌کنند، در حالی‌که خودشان ظالمانه، و بدون اجازه وارد سوریه می‌شوند، یک منطقه‌ای را اشغال می‌کنند، پایگاه نظامی درست می‌کنند؛ یا در عراق چندین پایگاه نظامی درست می‌کنند. وارونه‌نمایی حقیقت، جزو کارهای اینها است؛ و در همه زمینه‌ها این‌جوری است. البته حتماً

بایستی آمریکایی‌ها عراق را تخلیه کنند که خواست خود عراقی‌ها و قانون آنها است؛ سوریه را حتماً بایستی زودتر تخلیه کنند؛ هرچه زودتر.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

در توضیح کیفیت حضور مستشاری لازم به ذکر است که حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در راستای دفاع از حرم در چهار سطح راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و فنی قابل تحلیل است. در سطح راهبردی، انتقال تجربیات دفاع مقدس توسط فرماندهان عالی‌رتبه ایران به فرماندهان سوریه صورت گرفت. در سطح عملیاتی نیز فرماندهان ایرانی، طراحی و چگونگی انجام عملیات علیه معارضین را آموزش دادند. در سطح تاکتیکی نیز فرماندهان ایرانی در میدان نبرد حاضر شدند و فرماندهان سوریه را راهنمایی کردند. در سطح فنی آماده‌سازی، تعمیر تجهیزات، آموزش برای نگهداری و تعمیرات، امداد و نجات را انجام دادند (نظامی‌پور، شادمانی و اخوان، ۱۳۹۵، ص۱۵-۱۴؛ مرادی، ۱۳۹۸، ص۱۵).

٦. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به پرسش «شیوهٔ مقابله امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با گروه‌های تروریستی معاصر ایشان چگونه بوده است؟» و با بهره‌گیری از روش تطبیقی و رویکرد تحلیلی ـ استنباطی، بیانات و مواضع این دو رهبر را در مواجهه با جریان‌های تروریستی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش، ضمن تأیید فرضیه تحقیق، نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در شرایط تاریخی، ماهیت تهدیدها و زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های تروریستی در دو دوره، در منطق کلی مقابله با این جریان‌ها، پیوستگی و شباهت قابل‌توجهی میان رویکرد امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش را می‌توان در سه محور زیر صورت‌بندی کرد:

۱) با وجود تفاوت در خاستگاه و زمینه شکل‌گیری جریان‌های تروریستی در دو دوره، به‌گونه‌ای که بخش قابل‌توجهی از تهدیدهای مورد مواجهه در دوره امام خمینی منشأ داخلی داشتند، در حالی‌که در دوره آیت‌الله خامنه‌ای بخش مهمی از جریان‌های تروریستی از محیط منطقه‌ای و فراملی تأثیر پذیرفته‌اند. منطق کلی مواجهه با این تهدیدها در هر دو دوره از الگوی نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند. در هر دو رویکرد، مقابله با تروریسم صرفاً به مواجهه امنیتی و نظامی تقلیل نیافته، بلکه ابعاد سیاسی، فکری، فرهنگی و اجتماعی تهدید نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، تفاوت در نوع و خاستگاه تهدیدها، به تغییر بنیادین در منطق مقابله منجر نشده، بلکه عمدتاً در شیوه انطباق ابزارها با شرایط و ویژگی‌های هر دوره انعکاس یافته است.

۲) یکی از وجوه مشترک برجسته در رویکرد امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، بهره‌گیری از مقابله تبیینی و

اقناعی در کنار اقدامات عملی برای مواجهه با جریان‌های تروریستی است. هر دو رهبر تلاش کرده‌اند از طریق تبیین مبانی فکری و سیاسی این جریان‌ها، نسبت میان تروریسم و قرائت‌های انحرافی و متحجّرانه از دین را آشکار کنند و از این طریق، زمینه اجتماعی و فکری مشروعیت‌یابی آنان را تضعیف نمایند. افزون‌بر این، در بیانات هر دو شخصیت، نقش حمایت، هدایت یا بهره‌برداری برخی قدرت‌های خارجی از جریان‌های تروریستی مورد تأکید قرار گرفته و تلاش شده است ابعاد سیاسی و بین‌المللی این پدیده برای افکار عمومی داخلی و خارجی تبیین شود. از این منظر، تبیین ماهیت تهدید و مقابله با روایت‌ها و زمینه‌های فکری و سیاسی پشتیبان آن، بخش اساسی از راهبرد مقابله را تشکیل می‌دهد.

۳) وجه مشترک دیگر، پیوند میان مقابله نرم و تبیینی با مقابله سخت و عملیاتی است. در رویکرد هر دو رهبر، مواجهه با جریان‌های تروریستی به اقدامات فکری و اقناعی محدود نمانده و در شرایطی که تهدید مستلزم اقدام عملی بوده، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های دفاعی، امنیتی و نظامی و حضور نیروهای جهادی در میدان تأکید شده است. بر این اساس، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی مقابله در هر دو دوره ماهیتی چندبُعدی داشته و از ترکیب دو سطح مکمّل شکل گرفته است: نخست، سطح نرم و تبیینی با هدف شناخت، افشاء و تضعیف مبانی فکری و سیاسی جریان‌های تروریستی؛ دوم، سطح سخت و عملیاتی با هدف مهار، محدودسازی و مقابله مؤثر با تهدید در عرصه میدانی. در نتیجه، می‌توان رویکرد مشترک امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای را الگویی ترکیبی دانست که در آن مقابله با تروریسم، هم‌زمان در سطوح فکری ـ گفتمانی و امنیتی ـ نظامی دنبال شده است.

منـابـع

قرآن کریم.

آبراهامیان، یراوند (۱۳۸۶). *اسلام رادیکال: مجاهدین ایرانی*. ترجمه فرهاد مهدوی. تهران: نشر نیما.

آشوری، داریوش (۱۳۷۳). *دانشنامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.

بیرو، آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵). تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی*، ۴(۳۴)، ص۸۵۶-۸۲۱.

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰). تروریسم از دیدگاه اسلام. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۳(۶).

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). *سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث*. قابل دسترس در:
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). *بیانات در نماز جمعه*. قابل دسترس در:
https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=44688

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در:
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29914

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). *سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه*. قابل دسترس در:
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۷/۲۱). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر*. قابل دسترس در:
https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27896

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *البیع*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). شکل‌گیری نهادهای بنیادین در جمهوری اسلامی: رویارویی خشن سه نیروی غیرمذهبی با نیروی مذهبی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۱۷.

دوورژه، موریس (۱۳۶۲). *روش‌های علوم اجتماعی*. ترجمه خسرو اسدی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

راستگو، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *مجاهدین خلق در آیینه تاریخ*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صفار هرندی، مرتضی (۱۳۹۸). *نیمه پنهان: رازهای دهه شصت*. تهران: کیهان.

علیپور، صادق (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اندیشه‌های امام خمینی و عملکردهای هاشمی رفسنجانی؛ در زمینه مبارزه مسلّحانه و حمایت از منافقین. *۱۵ خرداد*، شماره۴۸، ص۷۳-۶۱.

فوزی، یحیی (۱۳۸۶). استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی. *متین*، ۶(۹).

لوتز، جیمز ام.؛ لوتز، برندا جی. (۱۳۹۶). *تروریسم و تکفیر از دوره باستان تا ظهور داعش*. ترجمه مهدی بیژنی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸). بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۶(۶۳)، ص۲۱-۱.

موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۶۴). *غائله ۱۴اسفند ۵۹: ظهور و سقوط ضدّ انقلاب*. تهران: انتشارات نجات.

نظامی‌پور، قدیر؛ شادمانی، مهدیه؛ اخوان، منیژه (۱۳۹۵). ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه. *پژوهش‌های حفاظتی امنیتی*، ۵(۱۸)، ص۲۱-۱.